

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۱۸ مرداد سال ۱۳۹۷

عنوان: باز نمایی باغ ایرانی در سایر هنرها

سخنرانان و اعضای پنل: دکتر محمدمهدی محمودی، دکتر آناهید ملک مرزبان و دکتر مهناز رضایی

چکیده‌ای از سخنرانی‌ها:

سخنران اول: دکتر محمدمهدی محمودی

مطلب ارائه شده در این بخش در راستای باغ ایرانی و حواس پنجگانه است همچنین اشاراتی در باب تأثیرپذیری حواس پنجگانه از باغ ایرانی، خاطره انگیزی باغ ایرانی، تأثیرپذیری حواس پنجگانه در همه هنرهای ایرانی، تأثیرپذیری هنر ایرانی از باغ ایرانی، باغ ایرانی که جلوه‌ای از هنر ایرانی است و نقش باغ ایرانی در زندگی امروزی شده است.

ابتدا لازم است از نظر منظر عینی و ذهنی، نوع تأثیرگذاری حواس پنجگانه و باغ با آن مرور شود. از نظر بینایی چشم اندازه‌ها و مناظر پیرامونی تداعی‌گر فصول بهار است و از نظر لامسه لطافت برگ درختان و گل‌ها و یا خشک شدن برگ‌ها، تداعی نرمی و زبری و سبک بالی را دارد. از نظر چشایی طعم شیرین نوبرانه‌های فصول مختلف تداعی تازگی و زندگی جدید می‌کند. بویایی به واسطه‌ی رایحه برخاسته از عطر گیاهان و شکوفه‌ها تداعی کننده‌ی سرزندگی و طراوت است. شنوایی با صدا و نغمه پرنده و آوا و صدای آب تداعی شکوه و غرور را می‌کند.

در تصاویر نمونه‌هایی دیده می‌شود که چشم‌اندازها و مناظر پیرامونی حس بها را به تداعی می‌کنند.

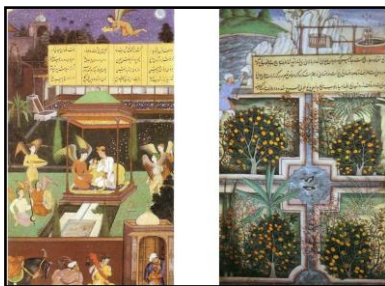
در ادامه خاطره انگیزی باغ ایرانی از نظر تصویر ذهنی باغ توضیح داده می‌شود که با در نظر گرفتن رنگ آسمان، رنگ خاک، رنگ زمین، رنگ گیاهان، نور و سایه و رنگ فصول مختلف است به شکل تصویری در ذهن نقش می‌بندد. نقش و نگار باغ در شنوایی با صدای آب، صدای باد، صدای برگ درختان و سکوت باغ شکل می‌گیرد و با بوی عطر بهار، بوی شرجی هوا در تابستان، بوی سرمای زمستان، بوی خنکی در پاییز در ذهن می‌ماند. با چشیدن شیرینی هوا در شالیزارها، و باغ‌های ایرانی، چشیدن اکسیژن فراوان صبحگاهی در باغ می‌توان طعم باغ ایرانی را در خاطره چشایی ثبت کرد.

تصویر ذهنی باغ در لامسه می‌توان با نرمی خاک، لطافت ه و، زبری تنه درختان کهن به یاد بماند. تأثیرپذیری حس پنجگانه را به غیر از باغ

ایرانی در هنرهای ایرانی دیگر هم می‌توان پیدا کرد که از لحاظ ادراک فیزیکی، ساختار فیزیکی، ادراک ذهنی تأثیر می‌گذارد. با دیدن درختان سر به فلک کشیده و صف منظم درختان انطباط و هدفمندی و غرور و استقامت را نمایش می‌دهد و تأثیرش در هنر خوشنویسی، نقاشی، عکاسی، گلدوزی و قالیبافی مشهود است. با لمس تنه درختان و درک عمر سن آن، اصالت و هویتی شناخته می‌شود که از آن در صنایع دستی، بافندگی و خراطی‌ها الهام گرفته شده است. چشایی، با میوه درختان که یک طمع ناب و خاص دارد در ذهن باقی می‌ماند، چنین مواردی در خلاقیت هنری خصوصاً در هنر آشپزی و شیرینی‌پزی و با استفاده از گلاب‌گیری و روغن‌گیری تأثیر گذاشته‌است، از نظر بویایی بوی درختان، بوته‌ها و بوی شکوفه‌ها تأثیر ذهنی و آبی می‌گذارد و گویا تولد دوباره‌ای را نشان می‌دهد. در شنوایی، صدای

آب و درخت از نظر ذهنی حیات و زندگی و پویایی ادامه دار را تداعی می‌کند و تأثیرش را در هنرهای نظیر موسیقی و شعر و ادبیات دیده می‌شود.





در تصویر روبرو دیده می‌شود که که باغ ایرانی چگونه در مینیاتور آمده است در تذهیب و تشعیر در کجا نوشته و در کجا نقش باغ ترسیم شده است. اگر پلانی هست، درخت را عمومی نشان داده شده است. اگر خانه‌ای ترسیم شده، بیرون، درون و همه بعدهای مختلف هم زمان به نمایش در آمده است. ذهنیت از باغ ایرانی در هنر مینیاتور بسیار قوی و غنی پرداخته شده است. که حتی از ایران هم فراتر رفته و در کشورهای دیگر هم دیده می‌شود. تأثیر باغ ایرانی در جای جای هنر معماری دیده می‌شود از سقف تا نقوش کاشی کاری شده در ابنیه مختلف همه متأثر از این پدیده‌ی ارزشمند هستند. این تأثیرگذاری در جزئی‌ترین موارد و نظیر قاب بندی ترکیب رنگ و هارمونی و به خصوص هندسه‌ی به کار برده شده در آن مشهود است و در هر یک از این هنرها به نظر می‌رسد که باغی ترسیم شده است.

بطور مثال پنجره‌ها الهامی از چیدمان یک باغ‌اند. این تأثیرگذاری از نظر فرم هندسی و محوری که دارد و رنگ‌هایی که استفاده شده متأثر از باغ ایرانی است.

در باغ‌سازی ایرانی به کارگیری از آب با توجه به رویکرد، ساختار و حرکات متفاوتی دارد به طور مثال در مسجد حوض در عین سکوت و سکون بدون فواره است. اما حوض در مقابل کاخ یا امارتی با فواره همراه شده است که شادابی و سرزندگی دارد.



باغ ایرانی با ساختارش تأثیر مشهودی بر روی انسان در تمام اعصار داشته است. محورهای عمود برهم آن احساس انضباط، حصار و پرچین باغ حس امنیت، واقع شدن کوشک در دو سوم میانی باغ حس هویت را بر می‌انگیزاند.

درختان تنومند در حاشیه محورهای اصلی حس اصالت و قدمت، گل‌ها و بوته‌ها که در حاشیه مسیرها و جوی‌ها ریزتر قرار گرفتند احساس لطافت می‌دهد. کشیدگی باغ در امتداد ورودی تا کوشک حس هویت‌مندی می‌دهد و نشان می‌دهد که در چه مسیری حرکت اتفاق می‌افتد و در عین حال هدف را در دیدرس قرار می‌دهد.



در این بخش به آسیب‌های زندگی امروزی پرداخته می‌شود و این که در این رابطه باغ چه پاسخی می‌دهد. در جریانات امروزه خستگی و افسردگی وجود دارد ولی باغ می‌تواند نشاط و سرزندگی بیاورد، امروزه زندگی همه تنش و با اضطراب هست باغ آرامش و سبک‌بالی را می‌آورد، در زندگی امروزی ترس و ناامنی وجود دارد و باغ امنیت و محدودیت را می‌آورد، به یک پوچی و بی‌هویتی رسیدیم باغ اصالت و هویت را به ارمغان می‌آورد، پاسخ به هرج و مرج و اغتشاش امروزه باغ انضباط و نظم دارد، روزمرگی و یکنواختی در شهرها و ساختمان‌ها جاری است اما باغ هر گوشه‌اش تنوع و تحولی دارد.

برای دانستن بهای باغ ایرانی و تفکر پشت آن بهتر است ابتدا به بررسی اقلیم پرداخته شود. ایران در اقلیم گرم و خشک واقع شده است که برای زندگی در این اقلیم مردم نیازمند به وجود آوردن شرایط خاصی هستند که شرایط را مطلوب‌تر کند. فطرت ایرانی هم به دلیل این که طبیعت جو، خلاق و معنوی گراست فضایی را به وجود آورده است که علاوه بر بهبود شرایط زیستی پاسخ‌گوی نیازهای فطری‌اش باشد به دنبال چنین شرایطی سبک زندگی خاصی پدید می‌آید که فرهنگ غالب مردم منطقه است. و هر فرهنگی با آیین‌ها، شیوه‌ی پرداختش به هنر شناخته می‌شود و برای تداوم، نیازمند عرصه‌ای برای نمایش است. در خانواده‌های ایرانی توجه به واحد خانواده و رعایت سلسله مراتب از اهمیت خاصی برخوردار بوده است که چنین مواردی در پیدایش و شکل‌گیری باغ ایرانی نیز تأثیر مستقیم داشته است.

از منظر اقلیمی با توجه به این که کشور ما گرم و خشک است و بخش‌های بسیاری از زمین‌ها شوززار هستند نیاز به خنکی و سرسبزی باعث پیدا کردن راه‌حلی برای دسترسی به خاک و آب شیرین، به وجود آوردن سایه از طریق کاشت گیاهان و درختان مناسب شده است. از منظر فطرات ایرانی ارتباطی پایا پای بین طبیعت، خلقت و معنویت وجود دارد. هر کدام از عناصر طبیعت، آب، گیاه و خورشید و... خلقت به نظم، هندسه و نقش خیال است و معنویت به پرستش، آرامش و وحدت می‌باشد.

فرهنگ ایرانی در عین مهمان نوازی و جمع خانوادگی و هم بستگی فامیلی به محرمیت و سلسله مراتب ورود توجه می کرده است که شاید امروزه توجه به این موارد کم رنگ تر شده است. محرمیت از جلوی درب منازل جلوه گر بوده است و حتی با باز بودن دربها محرمیت درون حفظ می شود و معمورهایی که جلوی ورودی با خوشرویی می نشستند به نظر می رسید اون خوشرویی خودش به مانند یک باغ می باشد. امروزه بنیاد، شکل و رفتارها خانواده ها تغییر کرده است اما همچنان وجود دارد. و خلاصه ای از فرهنگ ایرانی را نشان می دهد و تأثیر پذیری از باغ ایرانی در مراسم آیینی یا دینی و یا ملی چه در جمع های خانوادگی چه در جامعه مشهود است.



در مراسم ۱۳ بدر در طبیعت، روبروی هم می نشینیم و باغی را تشکیل می دهیم و طبیعت را درون خودمان مشاهده می کنیم در حالی که اگر یک گروه خارجی ۱۳ بدر را ببینند آنها صرفاً طبیعت را می بینند. اما ما ایرانی ها در جشن های مختلف و مراسم سعی می کنیم چیدمان یک باغ را به نمایش بگذاریم. در مراسم آیینی دیگری نظیر جشن مهرگان نیز چنین هدفی مورد نظر است و در تمام مراسم های این چنینی واحدهای خانوادگی گسترده و پدرسالاری و تسلسل خانوادگی، احترام به سالمندان یک خانواده مورد توجه قرار می گیرد. در خانواده های قدیمی جای افراد مشخص بوده است که به عنوان مثال پدر کجا می نشیند و اگر یک روز هم نباشد جای ایشان خالی است در صورتی که معماری امروزی به این شکل نیست و سلسله مراتب و جایگاه ها کمتر در آن مشهود است.

هنر ایرانی الهام گرفته است از باغ ایرانی در ضرب المثل ها، شعر و ادبیات، خطاطی، قالبیابی، گلدوزی، آشپزی و... آمده است به عنوان نمونه هایی از ضرب المثل ها می توان به، در باغ سبز نشان دادن، باغت آباد انگوری، گل بود به سبزه نیز آراسته شد و دیواری کوتاه تر از دیوار ما پیدا نکرد، اشاره کرد.

این زیبایی ها در اشعار در نقاشی ها و مینیاتورها وجود دارند. در هنر خطاطی ایرانی هم همان طور که دکتر فرهت اشاره کرد حتی اگر کسی هم نتواند بخواند ولی متوجه زیبایی فرم و ضرب آهنگ حروف و خطوط می شود. در قالبچه ها نیز چنین شرایطی حکم فرماست روی قالی ها یک باغ کوچک و زیبا نقش بسته است.



ولی جالب است بدانید نگاه سایر فرهنگ ها به باغ ایرانی متفاوت است هرگاه مسئله ای در باب هنر ایرانی در مجلات ژاپنی چاپ می شود آنجا اشاره می شود که ایرانی ها دو باغ دارند یک باغی برای بیرون و قالی به عنوان باغی برای درون است.

هنر گلدوزی و پارچه بافی ایران هم اعتقاد دارم که الهام گرفته از باغ ایرانی است. اعتقاد دارم در غذای ایرانی آشپز در صورتی که غذای ایرانی طبخ کند آن را با نگاه باغ ایرانی می آراید، اما در صورتی که پیتزا درست کند، نوع تزئینش نیز کاملاً متفاوت است. در هنر مینیاتور، مینیاتوریست سعی می کند باغ درون ذهنش باشد و با توجه به آن هندسه طرح را پی می ریزد در این هنر محورها بسیار قوی هستند و اشاره به باغ دارد.

صحبت آخر با همه مواردی که در مورد باغ ایرانی اشاره کردیم درختانی در کاخ گلستان هستند که پوسیده شدن و برای جلوگیری از پوسیدگی میراث فرهنگی اعلام کرده است که باید با آجر ۳ سانتی داخل آن پوشیده شود و حال درختی که در باغ ایرانی این چنین حائز اهمیت بوده با آجر داخلش را پر کردند و می خواهند ضمن جلوگیری از پوسیدگی، بی احترامی به میراث فرهنگی نکنند.

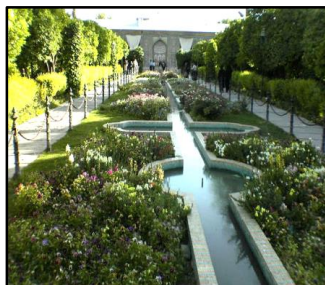
سخنران دوم: دکتر آناهید ملک مرزبان

باغ ایرانی در مفهوم وسیع خود، فرآورده هنر زیستن است و یکی از سبک‌های باغ آرایی در جهان است. حفظ پاکی آب و اهمیت دادن به درخت از جمله ویژگی‌های آن به شمار می‌رود. نظام باغ، انداره‌های گوناگون، ویژگی‌های ساختاری و معمارگونه باعث برجسته شدن آن شده است. باورها و رفتارها نشان دهنده تلاش مداوم انسان برای زندگی با طبیعت به ویژه سرسبزی است که در اقلیم گرم و خشک ایران، عناصر تشکیل دهنده سرسبزی یعنی آب، هوا، خاک و خورشید (آتش) چهار عنصر مقدس حیات حضور دارند و نیازمند به فکر و اقدام هستند تا در شرایط معینی توأمآ آفریننده سرسبزی باشند. باغ ایرانی از زمان‌های قدیم بخش اساسی از زندگی ایران و معماری آن بوده و در موجودیت آتشکده‌های بزرگ و تقویت نمادین آنها، سهم داشته است. از زمان سومریان، باغ، معبد و قصر سلطنتی را احاطه می‌کرد و بیان می‌شود کوروش کبیر در سارد، باغ بزرگی ساخت و به دست خود در آن درخت کاشت همچنین در سفال سامرا، باغ به صورت دو نهر متقاطع با پرندگان و درختان در چهارگوشه آن دیده شده است.

باغ‌های ایرانی به لحاظ تاریخی به دو دسته باغ‌های قبل از اسلام و باغ‌های بعد از اسلام قابل تقسیم شدن هستند. **باغ‌های هخامنشی:** باغ‌ها دارای طرح‌های مستطیل دقیق با خیابان‌ها و درختان متقاطع بود. سنگ نگاره‌های به جا مانده با درختان راست قامت، به خوبی اهمیت باغ در میان ایرانیان و نیز نظم هندسی موجود در باغ‌های ایرانی را نشان می‌دهند.



باغ‌های ساسانی: باغ در عصر شاهنشاهی ساسانیان نیز بر پایه اصول گذشته شکل می‌گیرد: ترکیب هندسی منظم، میان محور اصلی، خیابان‌های عمود برهم و کرت‌های راست گوشه. باغ‌ها بسیار وسیع بودند و با دقت طراحی و مراقبت می‌شدند.



باغ‌های دوران اسلامی: پس از اسلام، شهرهای تاریخی همواره پذیرای حضور گسترده باغ در اشکال گوناگون خود بودند از مقیاس حیاط کوچک‌ترین خانه‌ها تا مقیاس شهر - پایتخت‌های مشهور. ویژگی معماری شهر باغ‌ها، انتظام چهار بخشی زمین بود با اشکال مربع و مستطیل و کاربرد نوعی از باغ‌ها تحت عنوان چهار باغ که نتیجه ابعاد تمثیلی چهار نهر بهشتی در قرآن است. (گفته می‌شود فرم چهار وجهی ظاهراً سهل‌ترین راه برای شخم زدن زمین و آبرسانی به نظر می‌رسد). گرچه با استناد بر کاسه‌ای سفالین آن رودان (۲۰۰۰ سال قبل از میلاد) یا درفش فلزی شهیداد کرمان از هزاره چهارم قبل از میلاد، استفاده از این هندسه در باغ‌های پیشین مشهود می‌گردند.

باغ‌های مناطق دیگر: از سده‌های نخستین هجری، باغ‌سازی ایرانی به فراسوی مرزها می‌رود و به مرور زمان گستره خود را وسیع‌تر می‌کند. باغ‌های زیبای آندلسی (الحمرا) و باغ‌های کشمیر به این شیوه شکل گرفتند.



باغ الحمرا گرانادا



باغ اچه بل کشمیر

عناصر باغ ایرانی به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شود:

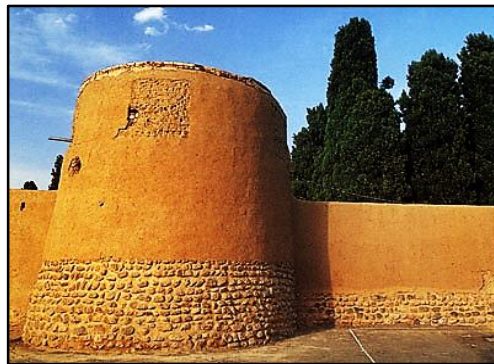
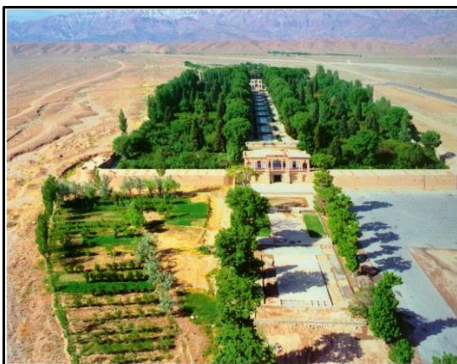
عناصر اصلی: زمین، آب، گیاه، فضا

- شیب و عوارض طبیعی زمین که بیشترین تأثیر را در شکل باغ دارد.
- جنس خاک، قابلیت آبیاری و حاصل‌خیزی نیز اهمیت دارد.
- باغ در زمین‌های شیبدار امکان حرکت طبیعی آب در باغ را فراهم می‌کند.
- ساخت باغ در چند سطح امکان ایجاد آبشار میسر فراهم می‌کند.
- آب یکی از اصلی‌ترین عناصر شکل‌گیری باغ است.
- توزیع آب پیرو ویژگی‌های فیزیکی و فنی آب و آبیاری است.
- همچنین مفهوم، زیبایی‌شناسی، منظرسازی و معماری می‌باشد.
- قنات‌ها و یا چشمه‌ها بیشتر منبع اصلی تأمین آب باغ بوده‌اند.
- درختان سایه‌دار و درختچه‌ها بیشتر در محور اصلی و گل‌های زینتی در حاشیه خیابان‌ها کاشته می‌شدند.
- درختان میوه در باغ‌های تاریخی، مهمی از باغ بوده و کاشت آنها در میان کرت‌ها بوده.
- فضاهای اصلی باغ مثل سردرخانه، کوشک، شاه‌نشین و یا بالاخانه و فضاهای فرعی مثل حمام، فضاهای جنبی، خلوت‌ها و... را شامل می‌گردند.

عناصر فرعی: تزئینات معماری جلوه‌های خاص حضور آب که وجودشان در تمامی باغ‌ها الزامی نیست.



ساختار هندسی کالبد باغ: دیوار در باغ ایرانی عنصر تعریف‌کننده فضا و موجب محصور شدن و محرمیت باغ می‌شود. درختان در حاشیه دیوار کاشته می‌شوند همگی همسو با هندسه دیوار باغ می‌باشند. فضای درون باغ، توسط خطوط عمود برهم به فضاهای جزئی‌تری تقسیم می‌شود. (۴ قسمت کلی) در هر رأس این شبکه مربعی، یک درخت که عمر طولانی‌تر دارد کاشته می‌شود و سپس این مربع‌ها به مربع کوچک‌تر تقسیم و در هر رأس آن درختان با عمر متوسط و به همین ترتیب درختان با عمر کوتاه در رأس مربع‌های میان آنها کاشته می‌شود. این نظم هندسی دقیق سبب می‌شده که از هر طرف ردیف درختان دیده شود.



معماری گذشته ایران آمیخته با حریم و درونگرایی بوده است. طبیعت در جهان‌بینی ایرانی مرتبه‌ای از سلسله مراتب کلی وجود است و سیر آن بخشی از معرفت است. محرمیت یکی از اصول مهم در طراحی باغ‌های ایرانی است که محصور است و گرداگرد خود دیوار دارد. بناهای سردر،

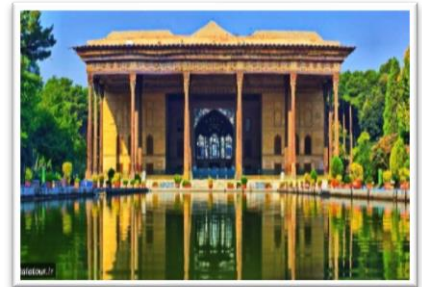
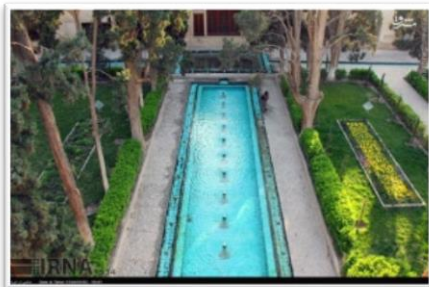
در حقیقت بیرونی باغ یا محل پذیرایی باغ، محسوب می‌شدند و معمولاً زیبا بودند. گاهی یک سردر معمولی با یک دیوار مشبک که عدم رویت مستقیم داخل باغ از بیرون می‌شود. عمارت سر در در بعضی باغ‌ها بنای کامل و بزرگی است، که ورودی را تأکید و مانع دید مستقیم می‌شود. کیفیت فضایی باغ ایرانی: وجود چشم‌انداز اصلی به شکل مستقیم و کشیده در محور طولی باغ، روبروی کوشک و نیز کاشتن درختان بلند در دو طرف آن نقشی اساسی در ایجاد پرسپکتیوی دارد که باغ را طولانی‌تر جلوه‌گر می‌سازد. ویژگی‌های معماری در باغ ایرانی تلفیق بنا و باغ است به نحوی که دید انسان از آن می‌گذرد و با دیگر فضاهای باغ رابطه پیدا می‌کند.



بیان نمادین و استعاره‌ای آب: آب دارای طبیعتی پاک و مقدس است. در استعاره آب بیانگر انرژی و منشا حیات می‌باشد. آب در حال ریزش یادآور گذر زندگی و ناپایداری زندگی می‌باشد. آب می‌تواند تاریک و سرد، طغیان کننده و بیرحم باشد. آب آرام و زلال تداعی کننده سلامت و زیبایی و جوانی است.

رتگ آبی فیروزه‌ای در باغ ایرانی: باغ‌های ایرانی که غالباً در مناطق گرمسیری و کویری شکل یافته‌اند با استفاده از رنگ آبی فیروزه‌ای داخل جویبارها و حوض‌ها قصد بر القا سردی و سبکی و تأکید بر خاصیت شفافیت آب به بیننده دارد. ایرانی‌ها می‌کوشند آب را در باغ به شکلی مشخص به گردش در آورند. باغ در فرهنگ ایرانیان، (حداقل بعد از اسلام) بهشت روی زمین است و جاری شدن آب به ۴ طرف نماد بهشت و دیوار دور باغ نمادی است که مانع ورود شیطان به باغ می‌شود.

نقش و حضور آب در باغ: نقش کارکردی: هندسه، محوریت، سلسله مراتب، نقش زیبایی شناسانه: صدا، حرکت، انعکاس



در میان آثار هنری تمدن ایران زمین، باغ جایگاه با ارزشی دارد. مبانی عقیدتی و مفاهیم رفتاری در هسته‌های تمدن این مرز و بوم نشان می‌دهند که انسان برای امکان‌پذیر ساختن زندگی در اقلیمی دشوار، تعاملی دائمی و دوستانه با طبیعت داشته است. باغ ایرانی، واحدی آبادانی، خصوصی و همگانی است، نمایانگر اندیشه توسعه پایدار می‌باشد. برای ارتباط بیشتر بخش‌های مختلف جامعه با موضوع باغ توصیه می‌شود در زمینه‌های ذیل اقداماتی صورت گیرد. زمینه‌های علمی - هنری و آموزشی، زمینه حفاظت و مرمت باغ‌های ایرانی و همکاری‌های بین المللی، زمینه مالی و جلب حمایت‌ها و مشارکت‌های مردمی، زمینه تدوین و اجرای قوانین و مقررات.

باغ‌های ایرانی که هنر زیستن و هماهنگی با طبیعت است نمادی از فرهنگ و تمدن ایرانی است و در عرصه‌های متعدد تأثیر داشته و متاثر شده است. با توجه به اهمیت موضوع امید است تا تلاش روز افزون مبنی بر حفظ و ایجاد آنها صورت گیرد.

سخنران سوم: دکتر مهناز رضایی



باغ فین کاشان

تاریخ هنر ما مانند حلقه‌های زنجیری درهم پیوسته و بافته است و هر نسل از نسل‌های پیشین وام می‌گیرد. زمانی شعر مولانا درون مایه شعر اخوان می‌شود که خود فرشته الهام دیگری است. اما مهم‌تر از همه این وام‌ها وامی است که هنرمندان از طبیعت می‌گیرند. "باغ بهترین تولید ذهن ایرانی است" و جهان شمول بودن آن ۲۵ قرن قدمت دارد. الگوی ساده آن هنوز زنده است و هدف امروز ما شاید باز یافتن و دوباره یافتن حلقه‌های این زنجیر باشد.

الگوی باغ ایرانی با تمام مفاهیم خود در هندسه ماندگار می‌شود و در پیشینه خود ذاتی پنهان دارد که محدود به ماده نیست بلکه جلوه‌گاه معنایی والاست. معنایی که حقیقت است. این الگو کهن می‌شود و سبب حضور باغ، با تمام احساس آن در هر مقیاسی از کوچک‌ترین حیاط خانه تا بزرگ‌ترین چهار باغ شهری و باغ شهر می‌گردد. این الگو در هر کالبدی توان تجلی می‌یابد و صورتی دیگر را نمایش می‌دهد. از دیگر سو، سایر هنرها را نیز باور می‌سازد. مانند: طرح باغ فرش که نگاه از آسمان به باغ است و باغ را به درون کاشانه و فضای زیست ایرانی می‌آورد؛ ادبیات و شعر او را پر نغمه می‌سازد. نگاره‌هایش را خیال می‌بخشد. و سرانجام به عنوان الگویی قدرتمند سبب پیشرفت و تکامل هر یک از هنرها می‌گردد.

نظام معنایی - ساختاری باغ ایرانی

تنوع فضایی: باغ ایرانی محدوده‌ای است محصور، با دیواری به عنوان مرز بین عرصه داخل و خارج، سایه و رطوبت بالا که نهایتاً فضای فرح بخش نسبت به محیط پیرامون خود به وجود می‌آورد. گیاه، آب، ابنیه در نظام معماری مشخصی با هم تلفیق شده و محیطی مطلوب، ایمن و آسوده برای انسان ساخته می‌شود.

گیاهان: اساسی‌ترین عامل شکل دهنده و زینت بخش شناخته می‌شود. با اهداف متفاوتی از جمله سایه‌اندازی، محصول‌دهی و تزیین باغ به کار می‌رود. تنوع و ترکیب بافت ریز یا درشت از گیاهان هم در کیفیت بصری و منظر تأثیر می‌گذارد و هم تنوع در حس لامسه را منجر می‌شود. **نظام آواها:** صداها هم به انفعال محیط از هم تأکید می‌کنند و هم فضاها را به هم پیوند می‌دهد که باعث حس آسودگی و آرامش می‌شود. عبور نسیم باد از میان شاخ و برگ درختان و گیاهان متناسب باغ ویژگی شکلی و نیز مکان استقرار، آواهای ویژه‌ای ایجاد می‌کند.

خوانایی: باغ ایرانی عبارت است از ترکیب ساده و موزون، رابطه‌ای صحیح و استوار، نظام هندسی مشخص، خطوط عمود بر هم، تخت کرت‌های چهارگوش، شبکه مترنم جهت‌دار آب که در فضاهای باز و پوشیده وسعت یافته است.

اشکال مختلف آب: حرکت، رنگ آب، موج آب شکل آب، صدای آب و حتی وجود آب در حوض بزرگ و کوچک و با شکل‌های گوناگون امیدبخش و زندگی ساز است.

کهن الگوی مهر؛ چلیپا به مثابه نورالانوار: در اندیشه ایرانی فلسفه و مذهب همواره دوشادوش یکدیگرند، ایرانیان قبل از اسلام اعتقادات خود را بر پایه‌ی احترام به نور که آن را منشاء الهی می‌دانستند، بنیان نهادند. خورشید، روشنایی بخش، نشانه‌ی حیات و سرچشمه نیروی انسان و کیهان است. در این زمان است که صورت چلیپا به عنوان نمادی از نور و بخش‌یندگی در زندگی مردم و باورهایشان حضور می‌یابد و رمزی می‌گردد از جاودانگی و خورشید را با چهار عنصر آتش، هوا، آب و خاک، که پدید آورنده نظام جهانند، پیوند می‌دهد. مکانیت باغ با تصویر کلی کیهان، پرونده‌ی انتظام و هماهنگی‌ای گشت که می‌توانست و می‌تواند از راه نور، هندسه، رنگ‌ها، رایحه‌ها، اصوات و ماده به حیطه‌ی حواس در آید و در عین حال در نظام واحد خود نظر عقل را به ذات (نور الانوار) و به ساخت باطنی مستتر در آن معطوف دارد.

چو عکسی زآفتاب آن جهان است

که این طفل است و آن مانند دایه است

هر آن چیزی که در عالم عیان است

که محسوسات از آن عالم چو سایه است

کهن الگو؛ شور عشق: انسان سنتی طالب آن است که تا سرحد توانایی‌اش عشقی را که به آفریدگار خود داشت اظهار کند. کسی که به "طبیعت با نحوه‌ی عملکرد خودش" نزدیک است چاره‌ای جز آن ندارد که در وفور الگوها، طرح‌ها و رنگ‌های مظاهر خلقت مستغرق باشد. آدمی از روی طبیعت گرت‌برداری می‌کند بلکه به مدد نمادهایی که از نحوه تجلی طبیعت تقلید می‌کند و سطوح را همان گونه اصیل می‌گرداند که آفرینش به خاک اصالت می‌بخشد.

پدید آورنده‌ی باغ ایرانی هنرمند است و باغ اثر هنری او، هنرمند سرچشمه اثر است و اثر سرچشمه هنرمند. هنرمند باغ ساز در مقام سالک،

پس از جذب و کشف الهام الهی شور عشق در وجودش احیاء می‌شود. لذا اثر او تنها بیانگر محسوس مورد حس ناشدنی نیست، بل بارها مهم‌تر از آن آشکار کننده راز هستی است و این سان باغ، رخدادگی حقیقت است. حقیقتی که صفات خداوندی چون بخشنده‌گی، تعادل، جاودانگی و بی‌نیازی را متجلی می‌سازد.

کهن الگو؛ فارغ از زمان و مکان: در کالبد باغ نظام در تغییر و تکاپوی جهان، با مفهوم بی‌زمانی و بی‌مکانی بیان می‌شود. چهار فصل متفاوت و در هر فصل چهار کرت متفاوت که یکی را با بوی سیب به خود می‌خواند و دیگری با رنگ شکوفه‌اش مجذوبت می‌سازد، هم زمان نوای بلبل و موسیقی آب نوازش می‌کند. این جاست که فاصله میان تو و عامل جذب کننده از بین می‌رود. فاصله مفهوم خود را از دست می‌دهد و بی‌مکانی جاری می‌گردد. در زمانی خاص در باغ حضور می‌یابی و زمانی دیگر را به یاد می‌آوری زمستان می‌آیی و بهار را در وجود سرو می‌یابی. پاییز می‌آیی و خرمالوی شیرین خوشرنگ تابستان پر میوه را برایت به ارمغان می‌آورد. پس در باغ بی‌زمانی جاری می‌شود.

سیر کمال این الگوی قدرتمند همچنان در شعر و نقاشی و فرش بافی ادامه دارد. گویا تنها در معماری و شهرسازی به فراموشی سپرده شده است. در راستای به کارگیری در طراحی امروز جهت ایجاد فضایی دل انگیز برای سکونت انسان، شاید رسالت ما باز خوانی و روایت دوباره این قصه فراموش شده باشد.

هنر هماهنگ کننده طبیعت و ذهن است و آگاهی در آن نقش کلیدی دارد. اگر ذهن آدمی ناگزیر از شناخت مطلق شود، نمی‌تواند آن را در طبیعت باز شناسد، بلکه باید به یکی از زاده‌های خود پناه ببرد، و از آن به هدف ادراک مطلق نائل آید. روح در جریان سفر خود به سوی مطلق از ناآگاهی به دانش کامل و خود آگاهی مطلق می‌رسد، و در همین گذر از پله‌ای از آگاهی می‌گذرد، آگاهی‌ای که به "احساس درک شده‌ی دنیای بیرون" وابسته است. این پله‌ی هنر است که سرانجام نیز در روح مطلق جای می‌گیرد. گاه زیبایی هنری، فراتر از زیبایی طبیعی (که در آفرینش آن انسان نقشی نداشته است) شکل می‌گیرد. زیبایی هنری نتیجه کارکرد ذهن آدمی است، اگر چه هنرمند در زمان آفرینش بطور کامل آگاه به آن نبوده باشد. در واقع اعتبار هنر، نه به واسطه تولید آگاهانه‌ی هنرمند، بلکه نتیجه کارکرد ذهن اوست و تحت تأثیر نیروی الهام، چیزی می‌آفریند که فراتر از آگاهی او می‌رود، و بیانگر روح زمانه یا روح دوران است. هنر به نبوغ هنرمند وابسته است، اما نبوغ از هنرمند فراتر می‌رود و ارزش هنر در این الهام هنرمندانه است. هنر چون فلسفه، ارزش شناختی و عقلانی دارد و روشنگر ماهیت نسبت آدمی با طبیعت است و به نیروی آفرینندگی و نبوغ هنرمند وابستگی دارد.

در هنر، ساختن یا "آفریدن" مهم است، زیرا هنر وجه یا شیوه‌ای از آگاهی است که در ماده یا دنیای بیرونی جای می‌گیرد و همچون هر تولید انسانی، جنبه‌ای از خردورزی متعارف و معمولی آدمی را در بر دارد، عنصری اندیشگون که در خود، نیاز آدمی به آزادی را متبلور می‌سازد. چیزی در هنر هست که از این هم فراتر می‌رود، هنر شکل‌دیگری از اندیشیدن است. شکلی که ضرورت خود را پی می‌گیرد و ماورای آگاهی متعارف پیش می‌رود.

فرش ایرانی: فرش ایرانی بهشت بافته‌ی ایرانی است و از شاخص‌ترین هنر بومی ایرانی که به لحاظ جنبه‌ی نماد خود و بهره‌مندی از زبان تصویر و نشانه توانسته بیشتر و بهتر هویت ملی ایرانی را در جهان کنونی عرضه کند. پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی فرش ایرانی انجام شده شامل موارد زیر می‌باشد:

— نقش مایه‌ها (نمادها، اساطیر، افسانه‌ها، دیدگاه‌های قومی و قبیله‌ای)

— دو گونه می‌باشد ۱. تزئین آرایش ۲. بیان درونیات و باز نمای

— تاریخچه‌ی پیدایش (از نظر آثار تاریخی و جغرافیایی)

دار قالیبافی: اولین و قدیمی‌ترین دار قالی بافی به صورت زمینی (افقی) بودند و فاقد راست رو یا ستون هستند که مهم‌ترین بخش آن کمان

می‌باشد و گروه دوم از دارهای قالی بافی به صورت عمودی هستند.

ویژگی‌های فرش: فرش ایرانی هم دارای ویژگی‌های ظاهری (ریخت شناسی) و هم درونی (اسلوب بافت) می‌باشد که سه سبک مستقل در حوزه فرش شناسی وجود دارد: سبک عشایری، سبک روستایی، سبک شهری.

قالی پازیریک: این بافت‌ها دست آورد قوم سکایی است که روش زندگی آنها به صورت کوچ‌نشینی بوده است.

— الگو قالی پازیریک از چند حاشیه شکل گرفته که به گفته رودنکو تخت جمشید و بیاد

می‌آورد.

— اعداد و هفت در فرش.



قالی پازیریک

رابطه عرفانه ایرانیان با آب، درخت و گل به آسانی نشان می‌دهد که باغ ایرانی محیطی مقدس است، رابطه‌ای بین باغ مثالی و باغ زمینی است، کهن الگوی باغ ایرانی سرچشمه همه هنرهاست. ایران پر افتخار گنجینه‌ای از آثار انسان‌هایی است که روزگارانی قدیم در این مرزوبوم می‌زیست‌اند و مایحتاج زندگیشان را با خلاقیت‌های شگرف ساخته و پرداخته‌اند که شاید حتی به گوشه‌ای از ذهنشان خطور نکرده که حاصل این افکار خلاق روزگاری برای مردمانی گنجینه‌ای پربها خواهد بود.

باغ و قالی از قدیمی‌ترین هنرهای ایرانی در سیر تاریخ است که همواره ارتباط تنگاتنگی با هم داشته‌اند و ریشه در فرهنگ، تمدن، عواطف، اعتقادات و باورهای انسانی دارد. مهم‌ترین این آثار چهار باغی مربوط به دوره صفویه می‌باشد که به موازات باغ‌سازی به سبک چهار باغ، حضور قالی‌های طرح گلستان یا چهار باغی در دوره‌هایی از تاریخ ایران پررنگ و چشمگیر است. طراحان در گذشته با در نظر گرفتن هندسه به عنوان مبنای اصلی طراحی فرش‌ها، نقوش را بر بستری از هندسه ترسیم می‌کرده‌اند. در طراحی فرش‌های چهار باغی دوره صفویه نیز همانند سایر هنرهای ایرانی تناسبات ویژه‌ای در اندازه حاشیه‌ها، نقوش و عناصر به کار گرفته شده است. روش بررسی بر مبنای مباحث نظری رابطه‌ی این دو هنر ارزشمند ایرانی و جایگاه باغ در طراحی فرش ایران و تحلیل اعداد و خطوط نظم دهنده اصلی در فرم و هندسه باغ ایرانی و تأثیر آن در طراحی فرش باغی بوده که در نهایت هدف از تحلیل کالبد باغ‌های ایرانی دستیابی به روش دقیق نظام هندسی و اهمیت آن در فرش‌های باغی می‌باشد. هندسه از کاربردی‌ترین و مفهومی‌ترین علوم از گذشته‌های دور تا قرون معاصر بوده که زیربنای بسیاری از هنرها است، علاوه بر اینکه شاخه‌ای از علم ریاضی است مبنای فلسفی دارد.

کاربرد هندسه و نقوش فرش در طراحی آن، طرح استخوان‌بندی و نظامی است که نقش مایه‌ها در آن چیده می‌شوند. در واقع یک مجموعه ضوابط و معیارهایی نقش مایه‌ها را تعیین می‌کنند. نقش‌هایی که طرح آن از باغ گرفته شده، به طور مثال نقش "سرو کوچک" و "یا" بته جقه" که به صورت تکراری در اکثر قالی‌ها آمده است. ترنج‌های لوزی شکل که نشانگر آب نما در باغ است. در یک طرح روابط میان حاشیه، لچک و ترنج، متن و... باید بر مبنای نظم و هندسی خاصی شکل گرفته باشد همانطور که هندسه در هنرهای فلزی و چوبی و کاشی کاری و گچ بری‌ها، مینا و پایه بوده است. بدون شک در سنت کهن طراحی فرش ایران ضوابط و اصول خاصی را در طراحی و نقوش آن به کار گرفته است. در طبیعت گرم و کم آب ایران، باغ هم تمثیلی از بهشت موعود آیین‌هاست و هم‌نشانی از تعلق آدمی به زیبایی‌های این جهانی. از آنجا که مفهوم معمارانه باغ، بازتاب حس مکان یا مکانیت است، چون باغ فضایی متعین به شمار می‌رود که تصویر کلی کیهان را در خود به قاب می‌گیرد. کاربرد طرح چهار باغ و صور مندل‌وار، صرفاً گسترشی از تصویری کهن در کیهان شناسی ساکنان آسیای مرکزی بود. آفریده‌های کوچک اندازه ایرانیان باستان، چون قالی بهار نمای افسانه‌ای خسرو پرویز و ساختمان کوشک سان تخت طاق‌دیس واقع میان یک درخت زار، همچنین... ابقاگر تصور باغ و تعلق آدمی به طبیعت بود.

باغ‌ها به سه گونه طراحی می‌شوند هندسی، منطری، ترکیبی که در ایران بیشتر از گونه‌ی باغ‌های هندسی استفاده می‌شود، لذا "باغ ایرانی مجموعه‌ای هماهنگ و زیبا است که از آمیختگی عقلانی، فرح بخش و چشم نواز آب و گیاه، مسیر، سایه و روشن، رنگ فضا و معماری بر پایه هندسه متین و آرام شکل می‌گیرد.

باغ و فرش گویاترین آثار هنری ایران بوده که ریشه در فرهنگ و تمدن دارد، ارتباط تنگاتنگ و نمادگرایانه نقش باغ با طرح‌های قالی‌های ایرانی پرسش‌هایی را در ذهن ایجاد می‌کند که موجب گردیده به بررسی جایگاه باغ و باز شناسی پردیس ایرانی در بستر طراحی فرش ایرانی بپردازد.

اگرچه فرش به عنوان یکی از هنرهای کهن و بومی این سرزمین است اما این صفویان بودند که آن را از یک هنر - صنعت روستایی به فعالیتی در سطح کشور ارتقا دادند و به صورت بخش مهمی از اقتصاد کشور در آوردند. به تعبیر دیگر عصر طلایی بافندگی در ایران از سده دهم آغاز می‌شود. فرش به عنوان نقطه اوج هنر ایرانی بر مبنای هندسه‌ی وسیعی شکل گرفته که به ویژه در فرش‌های عصر صفویه این نظم و هماهنگی به وضوح قابل مشاهده است بنابراین دلیل اصلی زیبایی و کمال نقوش فرش‌های صفویه بکارگیری هندسه عمیقی است که بازتاب دهی زیبایی و کمال تمام هنرهای دوره‌ی صفویه خصوصاً معماری این دوره است.

آثار ابهام‌پوپ هنرشناس شهیر معتقد است تقریباً همه‌ی قالی‌های ایرانی دوره بزرگ (صفوی) به شکلی همراه شکوه، تنوع و اغلب به شیوه‌ای زنده، مفهوم باغ را بیان می‌کنند. در بزرگترین قالی‌ها، مفهوم باغ کامل‌ترین شکل تصویری خود را می‌یابد. دکتر حصوری علاوه بر فرش‌های معروف به باغی، فرش‌هایی با طرح خشتی یا قاب قابی - که عمدتاً در چهار محال بختیاری بافته می‌شود - و حتی فرش‌های ترنج‌دار را الهام گرفته از نقشه گلستان یا طرح باغی می‌داند که خود ریشه در فرش بهارستان دارند.

با وجود ارتباط بسیار نزدیک باغ و قالی به نظر می‌رسد باغ با سابقه‌ای طولانی‌تر از قالی ایرانی بر طرح و نقوش آن تأثیر گذاشته و قالی‌های

با طرح چهار باغی و باغ های ایرانی از ایده و هندسه یگانه بهره جسته‌اند. هدف از این پژوهش تحلیل کالبدهای باغ ایرانی (باغ فین کاشان) دستیابی به روش دقیق نظام هندسی و اهمیت آن در فرش‌های باغی می‌باشد. در این مقاله بررسی بطور خاص بر روی فرش‌های باغی به عنوان شاخص‌ترین فرش‌های دوره صفویه می‌باشد. تحلیل هندسی فرش موضوع جدیدی است که به تازگی مورد توجه قرار گرفته است که این موضوع می‌تواند دریچه‌ای تازه‌تر برای پژوهش جامع بگشاید.

باغ‌های ایرانی نمادی از قدرت هستند و اجزای بکار رفته در آن دارای سلسله مراتبی هستند که به صورت خلاصه عبارتند از:

۱- نظام ترتیب و توالی فعالیت‌ها، دیدها و حرکات

۲- ترتیب و توالی فضاها، سیر تدریجی فضاها تا رسیدن به فضای مقصد

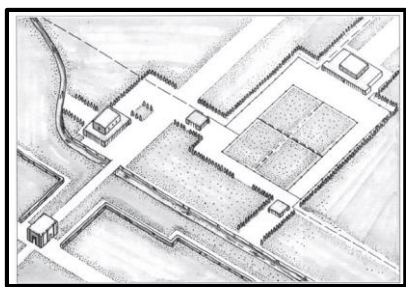
۳- سلسله مراتب در ارتباط با مفهوم محرمیت از سر در ورودی به هشتی و راهروهای اطراف تا رسیدن به فضای اصلی کوشک

۴- فضاها با کارکردهای گوناگون: عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی، خصوصی، نیمه خصوصی.

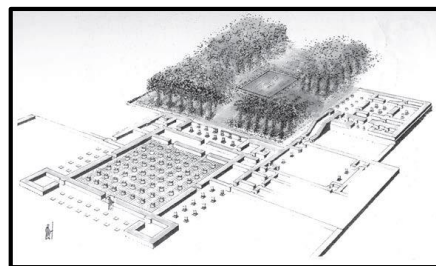
این مفاهیم که پرونده انتظام و هماهنگی است می‌تواند از راه عدد، هندسه، رنگ و ماده به حیطه حواس درآید.

صوفیان نیز به زعم خود چهار بخشی بودن باغ را به چهار مرحله سلوک تاویل می‌کنند: از پس باغستان جان بوستان دل می‌آید و به دنبال آن تفرجگاه روح و دست آخر، عالم وجود که در این مرحله عارف سلوک مطلوب خود را یافته است. (یاوری، ۱۳۸۳، ۳۶). به طور مثال در تجارب عرفای نام دار از جمله سهروردی است این موضوع در راه کسب معرفت و شهود حقیقت و رسیدن به بهشت و آگاهی از چهارگانه‌ها آشکار شده است بنابراین چهارگانه‌ها از کیفیت مقدس برخوردار بوده است که رد پای آن در پردیس‌های ایرانی وجود داشته و از این مکان این حقیقت به تمام بدنه معماری و هنر ایرانی انتقال یافته است.

مهم‌ترین آثار چهار باغی مربوط به دوره صفویه می‌باشد، به موازات باغ سازی به سبک چهارباغ حضور قالی‌های طرح گلستان یا چهار باغی نیز در دوره‌های تاریخ ایران پررنگ و چشم‌گیر است. نگاه ایرانیان به باغ فراتر از توجه صرف طبیعت بوده است و باغ برای آنان نشانه توجه و ژرف اندیشی در طبیعت و پدیده‌های آن محسوب می‌شده، بنابراین قالی نیز نوعی باغ و بازتابی از باغ است که در میان فضاهای سر بسته قرار گرفته است. با توجه به اینکه پیشینه باغ از قالی کهن‌تر می‌باشد و طرح قالی چهار باغی بازتابی از چهارباغ است، این طرح از باغ به فرش راه یافته است. چرا که نخستین چهار باغ در ایران طبق اسناد و مدارک موجود مربوط به چهارباغ پاسارگاد دوره هخامنشی است استروناخ و چون منشا باغ‌سازی در شمال غربی ایران بوده و پارس‌ها در مسیر حرکت و کوچ خود آن را به مرکز ایران کشانده‌اند این نظر به واقعیت نزدیک می‌شود، این ساختار آغازین به تدریج دگرگون شده و طی دوره‌های تاریخی طبق سلاقی و علاقه چهارباغ‌هایی ساخته شده است که اوج و شکوه چهارباغ سازی پس از دو هزار سال در چهار باغ پاسارگاد و سپس در زمان داریوش در شوش به ابعاد کوچک‌تر پس از دوره هخامنشی، چهار باغ‌سازی در دوره ساسانی در غرب با ساختاری تازه در کاخ‌های ساسانی نمود یافت.

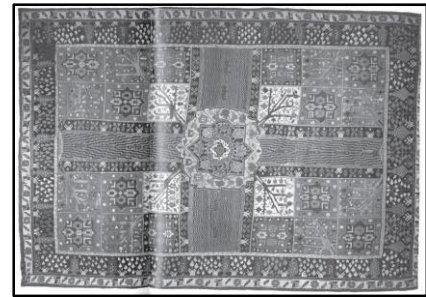
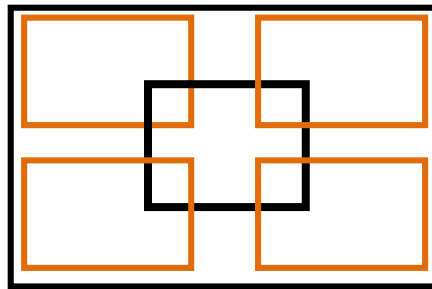
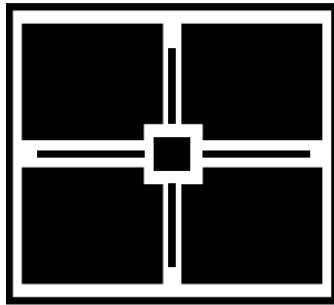


پرسپکتیو بازسازی شده چهار باغ و کاخ‌های پاسارگاد (مأخذ: استروناخ، ۱۳۷۱، ۶۵)



پرسپکتیو چهارباغ و کاخ‌های شوش مأخذ: (خوانساری، ۱۳۸۳، ۴۴)

قالی باغی که به بهار خسرو شناخته شده است براساس یک الگوی همگونه از باغ و کاخ کورش در پاسارگاد طراحی و بافته شده که حرکت آب به سوی کوشک مرکزی در آن یک طرح چهار باغ را در آن القا می‌کند، هر چند ساخت چهار باغ در دوره‌های اموی و عباسی با الهام از باغ‌سازی ساسانی تداوم یافت، ولی در دوره‌های ایلخانی و تیموری نشانه‌های از چهار باغ در شمال غرب ایران به ویژه در تبریز آشکار شده است. اوج چهار باغ‌سازی در ایران متأثر از دوره‌های ساسانی و در دوره‌ی صفوی رخ داده است از جمله چهار باغ اصفهان و باغ فین کاشان نمونه‌های اخیرا که بطور سالم باقی مانده‌اند.



قالی با نقشه چهارباغ که با نقشه قالی بهار خسروانی دوره ساسانی قابل مقایسه است. (ماخذ : Penelope, 2004, 62)

تداوم ایده و طرح قالی‌ها و باغ‌ها، از طرح چهار بخشی الهام گرفته‌اند که این طرح در قالی چهار باغی نشانه‌ی چهار عنصر مقدس در پیش از دوره اسلام است. میرفندرسکی با اشاره به ریشه‌های تاریخی مفهوم این واژه اعتقاد دارد، دو محور اصلی عمود بر هم باغ را به چهار قسمت اصلی تقسیم می‌کند. تقسیم بر چهار شدن دارای بار تاریخی طولی است که شکل بارز خود را در اشاره آب از باغ عدن خارج می‌شود و به سمت چهار گوشه جهان جاری می‌گردد از روز ازل نشان می‌دهد.

حوضی در وسط که آب حیات از آن بیرون می‌آید که از طریق چهار جوی به چهار سوی زمین رفته و این مایه‌ی حیات را به گلستان‌ها می‌رساند. در اطراف این باغ هفت حاشیه وجود دارد که حاشیه‌ی وسط آن پهن‌تر از بقیه است که آدمی را به یاد آن هفت حصار محافظ از نیروهای اهریمنی می‌اندازد. طراحی هفت حاشیه به قسمی که حاشیه‌ی وسط پهن‌تر از بقیه و دو حاشیه‌ی متوسط در دو طرف حاشیه‌ی اصلی که با چهار حاشیه باریک‌تر از هم جدا شده‌اند، از قدیم تاکنون در طراحی فرش‌های اصیل مرسوم بوده است. از مناطقی که هفت حاشیه در فرش خود به کار می‌برند یکی اصفهان است که بیشتر در فرش‌های قدیمی‌تر بوده است و یکی کاشان که در حال حاضر به این شیوه پایبند است و اکثر فرش‌های اردکان و کاشان با هفت حاشیه طراحی می‌شود.

باغ ایرانی و قالی بافی با فرهنگ و تاریخ ایران در آمیخته است، طراحی آنها از شیوه و اسلوب خاصی پیروی می‌کند که عبارت است از ساختار تقسیمات چهارگانه در باغ‌سازی. آنچه در این سبک اهمیت دارد گرایش به طبیعت در فضای بیرونی طراحی باغ و فضای داخلی خانه قالی چهار باغی است. طرح ریزی باغ‌ها همواره با ایجاد بارزترین عناصر باغ ایرانی کاخ، کوشک، ایوان و... همراه بوده به نحوی که با تنظیم صفه بندی‌های روبروی عمارت اصلی، شکل و جایگاه استخر آب سنجیده می‌شده است. با توجه به بررسی‌های انجام شده در این مقاله در خصوص هنر باغ سازی و تأثیر آن بر قالی چهار باغی، پی می‌بریم که طراحان فرش‌های چهار باغی دوره صفویه از ابعاد و تناسبات خاصی بهره گرفته‌اند، نسبت‌هایی که در ساماندهی حاشیه‌ها و متن قالی‌ها در نظر گرفته شده به صورت $(\frac{2}{3}, \frac{3}{4}, \frac{1}{2})$ و استفاده از اعداد ۴ (تقسیم‌بندی فرش در متن و حاشیه و استفاده در نقوش و طرح اندازی) و ۷ (در حاشیه قالی چهار باغی). بنابراین قالی، باغی با تأثیرپذیری از اوج چهار باغ‌سازی دوره صفوی همانند سایر هنرهای ایرانی از هندسه و الگوی استandar دی بهره گرفته و عناصر مهم در نقاطی خاص قرار داده شده است و به لحاظ ترکیب و ساختاری هر دو نوع باغ هندسی و منطری در قالی بازتاب داشته است.